

ریسک حسابرسی

و

اجزای تشکیل دهنده آن



نگار ترجمه: مسعود حنیفه و شهناز محمودی

هدف از حسابرسی صورتهای مالی واحدهای اقتصادی اظهارنظر فنی و تخصصی درباره مطلوبیت صورتهای مالی از تمام جنبه‌های با اهمیت طبق استانداردهای حسابداری است. این اظهارنظر یک قضاوت ذهنی حرفه‌ای است و لذا همواره با میزانی از ریسک یا خطر مواجه است که به آن خطر حسابرسی می‌گویند. این واژه و اجزای آن سالهاست که در متون حسابرسی مورد بحث و بررسی است. متن حاضر کوشیده است تصویر روشن و ساده‌ای از مفاهیم یادشده ارائه کند.

ریسک حسابرسی

ریسک حسابرسی در سطح مانده حساب اجزائی به شرح زیر دارد:

۱- خطر آن که در فرایند حسابداری اشتباه یا تحریف با اهمیت اتفاق افتاده باشد.

ریسک ذاتی: ریسکی که شرایط محیطی و ذاتی باعث احتمال وقوع اشتباه یا تحریف با اهمیت در مانده حسابها و آسیب‌پذیری آن می‌گردد و با فرض اینکه روشهای کنترلی حسابداری وجود نداشته باشد.

ریسک کنترل: خطر یا ریسکی که امکان دارد اشتباه یا تحریف با اهمیت موجود در سطح مانده حساب توسط رویه‌های کنترل داخلی پیشگیری و یا کشف نگردد.

۲- خطر یا ریسکی که روشهای مورد عمل یک حسابرس را به نبود اشتباه یا تحریف با اهمیت در سطح مانده یک حساب متقاعد کند، در حالی که مانده حساب واقعاً حاوی اشتباه یا تحریف با اهمیت است (ریسک عدم کشف).

رویکرد^۲ حسابرس، ارزیابی سطح ریسک ذاتی و ریسک کنترل و بر مبنای آن تعدیل ریسک عدم کشف است تا ریسک مرکب (خطر حسابرسی) برای مانده حساب را به‌طور نسبی در سطح پایین محدود کند. به عبارت دیگر یک رابطه معکوس بین میزان ترکیب ریسک ذاتی و ریسک کنترل و ریسک عدم کشف برآورد شده به‌وسیله حسابرس، وجود دارد.

تنها راه‌حلی که حسابرس در طراحی برنامه حسابرسی می‌تواند خطر حسابرسی را کنترل کند به خطر عدم کشف مربوط می‌شود. درصد خطر عدم کشف که حسابرس برای اجرای آزمون محتوای خاص می‌تواند بپذیرد از طریق برآورد درصد خطر ذاتی و خطر کنترل در یک شرایط معین امکانپذیر است.

روشهای ارزیابی خطر ذاتی و خطر کنترل

هدف حسابرسان از برآورد خطر ذاتی و خطر کنترل دستیابی به این استدلال است که تا چه میزان احتمال اشتباه یا تحریف با اهمیت در مانده حساب وجود دارد. حسابرس در واکنش به برآورد احتمال وجود اشتباه یا تحریف با اهمیت، برنامه رسیدگی به جزئیات معاملات و مانده حسابها را تعدیل خواهد کرد. حسابرس در هر سطح مانده حساب، آثار معاملات طبقه بندی شده را برای دستیابی به هدفهای کنترلی معین و کسب اطمینان معقول بررسی می کند.

یک رابطه معکوس بین درصد اطمینان از روشهای واقعی کنترل تحقق یافته و درصد خطر کنترل وجود دارد. حسابرس برای ارزیابی و برآورد ریسک ذاتی در سطح مانده حسابها و بررسی احتمال وجود اشتباه یا تحریف با اهمیت در یک سطح خاص مانده حساب، توجه خود را به شناخت صاحبکار، صنعت و تجارت او، محیط کنترلی و جریان معاملات از طریق سیستم حسابداری، متمرکز می کند. معمولاً حسابرس معیارهای زیر را مورد توجه قرار خواهد داد:

مشخصات ذاتی: ماهیت ذاتی مانده هر حساب ممکن است در مبالغ و تکرار اشتباهات اتفاق افتاده تأثیر داشته باشد. به عنوان مثال این گونه آثار عبارتند از: الف) در محاسبات پیچیده و مرکب از قبیل اجاره سرمایه ای، احتمال اظهارات و گزارشهای غلط، نسبت به محاسبات ساده مانند محاسبات استهلاک به روش خط مستقیم بیشتر است، ب) موجودی نقد از برآوردهای غیر واقعی حسابداری موجودی آهن آلات استیل آسیب پذیرتر است و، ج) در محاسبات ذخیره گارانتی محصولات احتمال ارائه گزارشهای غلط در مقایسه با

اطلاعات واقعی آن بیشتر است.

مشخصات محیطی: برخی ویژگیهای محیطی به یک مانده حساب خاص و بعضی دیگر به صورتهای مالی کامل و درست ارتباط دارد. به هر حال مانده حساب خاص از قاطعیت مطلق برخوردار است. برای مثال اگر صاحبکار در یک صنعت با تکنولوژی پیشرفته اشتغال داشته باشد خطر موجودی کالای متروک و فرسوده افزایش می یابد.

اشتباهات دوره قبل: ماهیت، علت و مبلغ اشتباهات در مانده حساب خاص که از طریق انجام رسیدگیها در دوره قبل شناسایی و کشف شده است در پیشینی احتمال اشتباهات با اهمیت آن حساب خاص تأثیر خواهد گذاشت. در نتیجه ارزیابی و سنجش خطر ذاتی و خطر کنترل، یک قضاوت درباره احتمال وقوع اشتباهات با اهمیت در مانده حساب است که برای کشف آنها برنامه حسابرسی جزئیات ماندهها طرح ریزی می شود. بسیاری از حسابرسان نیز از روشهای بررسی تحلیلی جهت کمک به ایجاد قضاوت حرفه ای استفاده می کنند.

روشهای بررسی تحلیلی در طراحی برنامه جزئیات مانده حسابها

روشهای تحلیلی برای یاری رساندن به حسابرسان در برنامه ریزی حسابرسی به کار می رود؛ این برنامه ها از روشهای مورد استفاده جهت آشنایی و شناخت صاحبکار مفصلترند. حسابرس در جزئیات ساختار مانده حسابها، نسبتهای عملیاتی مرتبط با مانده حسابهای معین را مورد توجه قرار می دهد. به عنوان مثال برای آشنایی و شناخت صاحبکار، حسابرس ممکن است نسبت سود ناخالص به فروش سال جاری را محاسبه کند و همچنین نسبت سود

ناخالص سال به فروش سال قبل، بودجه سالانه و میانگین صنعت را محاسبه کند. در برنامه ریزی طرح و روش کار تفصیلی برای موجودی کالا، حسابرس امکان دارد تحلیل سود ناخالص را به وسیله تولید ماهانه و موقعیت شرکت بررسی کند.

حسابرس با روشهای بررسی تحلیلی در طراحی برنامه، جزئیات مقداری و رابطه آن با مبلغ حسابها و آثار ناشی از تغییرات در موقعیت و شرایط معین در برنامه ریزی عمومی را مورد شناسایی قرار می دهد. به عنوان مثال حسابرس باید حسابهای دریافتی تجاری را از لحاظ مبلغ ریالی درصدهای افزایش در مبالغ حسابهای دریافتی، تجزیه سنی مشتریان، مربوط بودن افزایشها طی سال حسابهای دریافتی و تعیین ماهیت اقلام بستنکاری و شناخت موقعیت اقتصادی صنعت را در برنامه ریزی عمومی خود در نظر داشته باشد.

نتایج این بررسیهای تحلیلی گروه معاملات به قضاوت حسابرسان درباره وجود اشتباه یا تحریف با اهمیت در مانده حسابها بستگی دارد. حسابرس ممکن است احتمال اشتباه یا تحریف با اهمیت را در سطح پایینتر تشخیص دهد زیرا مانده حسابها طبق شناخت حسابرسان معقول و منطقی است یا آنکه احتمال اشتباه یا تحریف با اهمیت به دلیل نوسانهای توجیه نشده عمده یا نبود نوسانات مورد انتظار، بالاتر است.

روشهای برآورد ریسک عدم کشف

هدف حسابرسان از برآورد ریسک ذاتی و ریسک کنترل، برآورد درصد ریسک عدم کشف است که میزان آن پذیرفتنی باشد. همان طور که قبلاً مورد بحث قرار گرفت ریسک عدم کشف، ریسکی است که روشهای

حسابرسی یک حسابرس را به اینکه اشتباه یا تحریف با اهمیت در سطح مانده حسابها وجود ندارد هدایت کند، در صورتی که واقعاً مانده حسابها حاوی اشتباهات و تحریفات با اهمیت باشد. این ریسک با اثربخشی روشهای حسابرسی ارتباط معکوس دارد.

هرگاه روشهای حسابرسی خیلی اثربخش باشد ریسک عدم کشف به میزان کمتر می‌تواند پذیرفتنی باشد. به‌طور کلی اثربخشی روشهای حسابرسی به متقاعدکنندگی شواهد با اهمیت کسب شده در به‌کارگیری این روشها ارتباط دارد. ارزیابی کارایی روشهای حسابرسی مستلزم مهارت در قضاوت حرفه‌ای است. ترکیب برآورد ریسک ذاتی و ریسک کنترل به ریسک عدم کشف پذیرفتنی منجر می‌گردد که می‌تواند به‌وسیله تحلیل‌های کیفی یا کمی انجام گیرد. طبق بیانیه استاندارد حسابرسی شماره ۴۷ (SAS 47) جزئیات ریسک ذاتی باید به‌صورت مقادیر درصدی یا دامنه غیر کمی مانند یک حداقل یا حداکثر پیشبینی شود.

روشهای گوناگونی برای پیشبینی مقادیر غیر کمی وجود دارد؛ به‌عنوان مثال روشهای زیر باید مورد استفاده قرار گیرد:

ارزیابی کیفی ترکیبی: حسابرس اطلاعات کسب شده در ریسک ذاتی و ریسک کنترل را مورد توجه قرار می‌دهد و نتایج حاصل از آنها با به‌کارگیری روشهای بررسی تحلیلی جزئیات مانده حسابها برای قضاوت درباره احتمال وجود اشتباهات و تحریفات با اهمیت در مانده حسابها در سطوح بالا، متوسط یا پایین تأثیر دارد. اگر احتمال اشتباه یا تحریف با اهمیت در حد پایین مورد قضاوت قرار گیرد آزمون جزئیات مانده معاملات می‌تواند در پایینترین حد انجام شود لیکن

اگر احتمال اشتباه یا تحریف با اهمیت در حد بالا ارزیابی شود آزمون جزئیات معاملات باید به‌صورت گسترده اجرا شود.

ارزیابی کیفی جداگانه: حسابرس پیشبینی کیفی جداگانه را طراحی می‌کند و نتایج رسیدگی و قضاوت خودش در ریسک ذاتی در حد پایین، متوسط یا بالاست. این برآوردها با نتایج هر یک از روشهای بررسی تحلیلی جزئیات مانده حسابها به‌صورت ترکیبی به‌کار گرفته می‌شود و در یک قضاوت درباره احتمال اشتباه یا تحریف با اهمیت در سطح مانده حسابها تأثیر می‌گذارد. اینها مثالهای مورد استفاده در سه سطح کیفی هستند. به‌طور کلی در عمل سه یا چهار سطح مورد استفاده است.

حسابرس برای ارزیابی و برآورد ریسک ذاتی در سطح مانده حسابها و بررسی احتمال وجود اشتباه یا تحریف با اهمیت در یک سطح خاص مانده حساب توجه خود را به شناخت صاحبکار صنعت و تجارت او محیط کنترلی و جریان معاملات از طریق سیستم حسابداری متمرکز می‌کند



ارزیابی کمی ریسک عدم کشف

برآورد ریسک عدم کشف به‌عنوان یک درصد معین مستلزم آن است که حسابرس از نمونه‌گیری آماری استفاده نماید. ترکیب ریسک حسابرسی تنها از نظر کمی و عینی و نمونه‌گیری آماری مورد سنجش قرار می‌گیرد. به‌هر حال مدل ریسک حسابرسی کمی به‌طور مفصل در اینجا تشریح شده است زیرا ابزار مفیدی برای مشاهده اثرهای متقابل اجزای ریسک حسابرسی محسوب می‌شود. در جدول ۱ مدل ریسک حسابرسی تلخیص شده است. این خلاصه بر مبنای یک مدل کمی است که اساساً در بیانیه استاندارد حسابرسی شماره ۳۹ (SAS 39) درباره نمونه‌گیری حسابرسی انعکاس یافته و در بیانیه شماره ۴۷ درباره اهمیت، مطرح شده است.

استدلال بنیادی مدل ریسک از آن جاست که ریسک ترکیب یافته از اشتباه یا تحریف با اهمیت که کشف نشده باقیمانده است، نتیجه اجرای مستقل ریسک است. و این ریسک ترکیبی، یعنی ریسک حسابرسی در سطح مانده حسابها، باید به‌طور نسبی پایین باشد. میزان ریسک پذیرفتنی باید ۵ درصد یا ۱۰ درصد در نظر گرفته شود. در مثالهای استفاده شده در این متن مبنای ریسک پذیرفتنی ۵ درصد مورد عمل قرار گرفته است. ریسک حسابرسی با علامت و نماد «UR» در فرمول مدل ریسک نشان داده شده است. اجزای ریسکها و نمادهای مربوط به آنها به‌شرح زیرند:

ریسک عدم کشف × ریسک روشهای دیگر ×

ریسک کنترل × ریسک ذاتی

IR × IC × AR × TD

ریسک روشهای دیگر، بیان مقداری ریسک عدم کشف برای روشهای

حسابرسی دیگر است که به موضوع دستیابی به هدفهای حسابرسی یکسان ارتباط دارد و در جریان آزمون از جزئیات معاملات برنامه‌ریزی شده‌اند و با علامت «AR» نشان داده می‌شود زیرا روشهای دیگر غالباً روشهای بررسی تحلیلی هستند. در بیانیه استاندارد حسابرسی شماره ۳۹ علامت «UR» برای ریسک حسابرسی استفاده شده است زیرا منظور از آن ریسک نهایی است.

بر همین اساس **مدل ریسک حسابرسی** معیار سنجش حسابرس برای برآورد درصد ریسکهای ذاتی، کنترل و روشهای دیگر است. این یک قضاوت حرفه‌ای و ذهنی است. روشی که اغلب در عمل مورد استفاده قرار می‌گیرد، ارتباط دادن یک درصد با

یک سطح کیفی ارزیابی است. بالاترین سطح بدیهی است که ۱۰۰ درصد تعیین می‌شود. ویژگی خاص درصد برآوردی با پایینترین حد یک قضاوت حرفه‌ای بسیار مهم است زیرا از نظر کمی پایینترین درجه ریسک تلقی می‌شود. ضمناً حداکثر درجه اطمینان خیلی قابل استناد به این بخش است. برای مثال استانداردهای حرفه‌ای با اطمینان کامل نباید در کنترل‌های حسابداری به کار گرفته شود.

این روش راهنمایی سریعی در برآورد حداقل ریسک کنترل ارائه می‌دهد. اغلب درصد برآورد شده برای سطوح کیفیت به عنوان موضوع سیاست موسسات حسابدار رسمی ارزیابی گردیده است.

فعل و انفعال اجزای ریسکها به آسانی با

یک مثال تشریح گردیده است. فرض کنید یک حسابرس اجزای ریسک را به شرح زیر ارزیابی کرده باشد:

(زیاد) $IR = 80\%$ ریسک ذاتی

(متوسط) $IC = 60\%$ ریسک کنترلی

(حداقل) $AR = 40\%$ ریسک روشهای دیگر

ریسک کنترلی \times ریسک ذاتی = ریسک حسابرسی

ریسک عدم کشف \times ریسک روشهای دیگر \times

پس مدلی که می‌تواند برای ریسک عدم کشف و برای اجرای برنامه‌ریزی آزمون جزئیات معاملات راه‌حل داشته باشد به شرح زیر ارائه می‌شود:

$$TD = \frac{UR}{IR \times IC \times AR} = \frac{0.05}{0.80 \times 0.60 \times 0.40} = 26\%$$

ریسک عدم کشف در این عبارت به مفهوم آن است که در اجرای برنامه‌ریزی جزئیات

جدول ۱- مدل ارزیابی ریسک کمی برای برآورد ریسک عدم کشف جهت اجرای آزمون جزئیات معاملات برنامه‌ریزی شده

ریسک عدم کشف	ریسک سایر روشها	ریسک کنترل	ریسک ذاتی	ریسک حسابرسی	اجزای ریسک
TD	AR	IC	IR	UR	علامت
ریسک پذیرفتنی که در برنامه‌ریزی آزمون جزئیات معاملات، موفق نخواهد شد که اشتباه با اهمیت را کشف کند.	ریسک مربوط به روشهای دیگر حسابرسی که در اثر کوتاهی در اعمال آن اشتباهات یا تحریفات با اهمیت در مانده حسابها کشف نشده است، به عنوان مثال روشهای بررسی تحلیلی.	خطر آنکه اشتباه یا تحریف با اهمیت امکان دارد اتفاق افتاده باشد و مانعی برای آن نباشد و یا روشهای کنترلی نیز آن را کشف نکنند.	آسیب‌پذیری مانده حساب از اشتباه یا تحریف عمده بدون کنترل‌های حسابداری.	ریسک ترکیب یافته از یک اشتباه یا تحریف با اهمیت که در مانده حسابها باقی است.	مفهوم
محاسبات انجام شده بر اساس درصدهای خاص برای ریسکهای دیگر.	ارزیابی*: ۴۰٪ حداقل ۶۰٪ متوسط ۸۰٪ معنی‌دار ۱۰۰٪ حداکثر	ارزیابی*: ۴۰٪ حداقل ۶۰٪ متوسط ۸۰٪ معنی‌دار ۱۰۰٪ حداکثر	ارزیابی*: ۴۰٪ حداقل ۶۰٪ متوسط ۸۰٪ معنی‌دار ۱۰۰٪ حداکثر	باید تا حد ممکن پایین برآورد شود، برای مثال ۵٪ یا ۱۰٪	رهنمودها

* میزان سطوح و درصدهای برآورد شده با احتمالات ذهنی که به وسیله قضاوت شخصی یا سیاستهای موسسه‌های عضو حسابدار رسمی تعیین شده است.

معاملات حسابرِس می‌تواند ریسک عدم کشف ۲۶ درصد را بپذیرد تا ریسک حسابرِس برای مانده حسابها به ۵ درصد نگهداری شود. اگر ادغام و ترکیب ریسکها به میزان حداکثر پیشبینی شده باشد آنگاه ریسک عدم کشف برای آزمون جزئیات معاملات برنامه‌ریزی شده باید به شرح زیر مورد سنجش قرار می‌گیرد:

$$TD = \frac{0.05}{1 \times 1} = 5\%$$

در این مورد آزمون جزئیات معاملات تنها روش قابل اعتماد در کشف اشتباه یا تحریف با اهمیت به‌شمار می‌رود و ریسک عدم کشف پذیرفتنی با ریسک حسابرِس برای مانده حسابها یکسان است. اگر ریسکهای ترکیبی در حداقل برآورد شده باشد، تخمین و برآورد ریسک عدم کشف باید به صورت زیر ارائه شود:

$$TD = \frac{0.05}{0.4 \times 0.4 \times 0.4} = 78\%$$

هنگامی که ریسک عدم کشف پذیرفتنی در این حد بالا باشد حسابرِس باید ضرورت انجام هر یک از آزمونهای جزئیات معاملات را تشخیص دهد.

مباحثه درباره برآورد جداگانه ریسک ذاتی

برآوردی که باید در ارزیابی جداگانه ریسک ذاتی (IR) مورد توجه قرار گیرد در سطوح پایینتر از حداکثر دارای نتایج بحث‌انگیزی است. مدل ریسکی که در بیانیه استاندارد حسابرِس شماره ۳۹ ارائه شده است با ریسک ذاتی احتمالی حداکثر پیشبینی شده است. بیانیه استاندارد حسابرِس شماره ۴۷ نشان می‌دهد که هرگاه ریسک ذاتی در حد کمتر از بالاترین پیشبینی شده است حسابرِس باید یک مبنای مناسب برای ارزیابی داشته باشد.

برخی از حسابرسان اعتقاد دارند سنجش و ارزیابی ریسک کنترل بی‌گمان ارزیابی مشترکی از ریسکهای کنترل و ذاتی است. حسابرسان دیگر معتقدند که یک ارزیابی جداگانه مناسب است در صورتی که عوامل مؤثر بر ریسک ذاتی و ریسک کنترل، مانند دستورعمل‌های کنترلی مدیریت، دو بار در نظر گرفته نشوند.



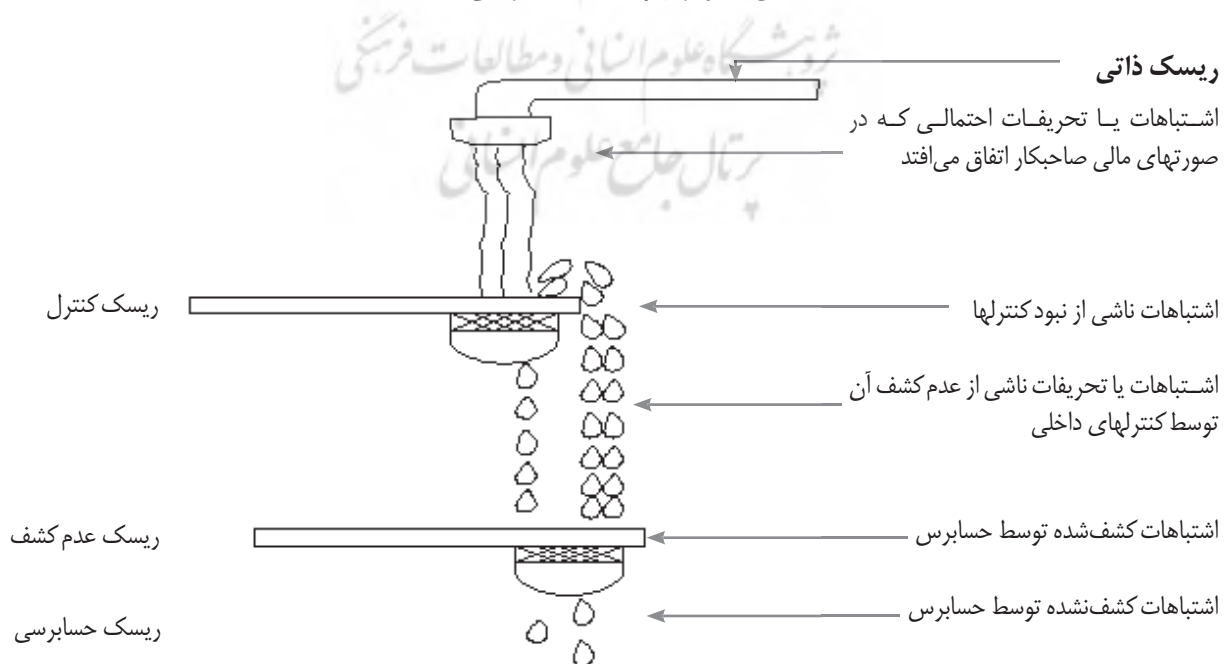
پانوشتها:

- 1- Susceptibility
- 2- Approach

منبع:

- Carmichael D. R., and John J. Willingham, **Auditing Concepts and Methods**, McGraw- Hill, 2001

نمایش تصویری ریسک حسابرِس





فرصتهای جدید برای مؤسسات حسابرسی

گزارش جدیدی از موسسه تحقیقاتی بای استریت (Bay Street Group)، عوامل اصلی پدیدآورنده فرصتهای نوین برای مؤسسات حسابرسی در محیط چالش برانگیز کنونی کسب و کار را برشمرده است.

این گزارش ۹ راهبرد مدیریت به علاوه استفاده بیشتر از وسایل سیار مثل گوشی های تلفن هوشمند را توصیه می کند. ریگ تلبرگ (Rick Telberg) مدیر این موسسه تحقیقاتی گفت: "مؤسسات حسابرسی پیشرو از اقتصاد در حال گذار و محیط مقرراتی برای کسب مزیت رقابتی بهره می برند. آنها فرصتهای پدیدآمده به خاطر بحران را می قایند، روی طرحهای مقرراتی جدید سرمایه گذاری می کنند، برای نظامهای نوین مالیاتی برنامه ریزی می کنند، افراد با استعداد را به کار می گیرند و از بهترین فناوریهای نوین استفاده می کنند."

چندین حوزه گسترده به عنوان عوامل اصلی پدیدآورنده فرصتهای نوین برای مؤسسات حسابرسی شناسایی شده است؛ از جمله، پی بردن به این امر که بحران فرصتی را برای پیشروان و نوآوران بازار که جای خود را خوب پیدا کرده اند، ایجاد می کند. به عنوان بخشی از تلاشها برای تثبیت مجدد بخش جهانی خدمات مالی، تدوین کنندگان استاندارد و قانونگذاران در حال انجام بازنگری جامع قواعد حسابداری و حسابرسی هستند. قواعد جدیدی برای حسابداران و حسابرسان در حال تدوین است. مؤسسات هوشیار و چابک نخستین پیشگامان در کسب مزیتها هستند.

همچنین در این تحقیق اشاره شده است که در سالهای گذشته، به علت موج جابه جایی کارکنان در دوران بحران اعتباری پس از سقوط انرون و کاهش متقاضیان حسابدار رسمی (CPA) و تمایل نیروی کار به مسیر شغلی در رشته های مدیریتی به خاطر مزایای مالی بالاتر، مؤسسات حسابرسی گاهی از کمبودهای شدید نیروی کار زیان دیدند.

با اזהم پاشیدن موسسه ها و نهادهای مالی، یک بار دیگر دانشجویان به سوی حوزه های حسابداری و حسابرسی روی آوردند که باعث ایجاد مجموعه ای از نیروهای با استعداد، توانا و کم توقع شده است.

چنانچه انتظار می رفت، فناوری اهرم بزرگی است که مؤسسات حسابرسی موفق را از آنها بی که فقط نجات یافتند مجزا می کند. مؤسسات حسابداری، از کارایی، یکپارچگی، ارتباط مستمر و پویایی نیروی کار استقبال می کنند.

همچنین این مطالعه ۹ راهبرد مدیریتی را شناسایی کرده است که مؤسسات برای بدست آوردن مزیت رقابتی به کار می برند: رضایتمندی مشتری، توسعه کسب و کار، استخدام و حفظ نیروی کار، مدیریت فناوری و هزینه آن، کنترل هزینه، مدیریت اسناد، پژوهش در مالیات و حسابداری و تجارت، ساعات صرف شده و صورتحساب، و پیام رسانی یکپارچه.

Web CPA

